



آزادی پژمان جمشیدی به قید وثیقه

هفته گذشته اخباری درباره بازداشت و اتهامات پژمان جمشیدی در رسانه‌ها منتشر شد که با واکنش‌های گسترده همراه شد. همچنین قوه قضائیه با انتشار خبر بازداشت یک بازیگر مشهور، اعلام کرد: «چندی پیش خانمی با مراجعه به مرجع قضایی، از یک بازیگر سینما به اتهام تجاوز به عنف شکایت کرد. در پی شکایت شاکی خصوصی و بررسی‌های تخصصی و علمی انجام‌شده، این بازیگر مشهور سینما با احضار به مرجع قضایی تفهیم اتهام و بازداشت شد.» پس از گذشت چندروز، دیروز رئیس کل دادگستری استان تهران در جمع خبرنگاران اعلام کرد که دادگاه تجدیدنظر، قرار بازداشت پژمان جمشیدی را نقض کرد تا قرار مناسب صادر شود. وکیل پژمان جمشیدی هم از صدور قرار وثیقه برای این بازیگر خبر داد. مهدی محرابی در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد که قرار بازداشت موقت جمشیدی در دادگاه کیفری یک استان تهران نقض شده است. او همچنین خبر آزادی این بازیگر به قید وثیقه در روز گذشته را نیز اعلام کرد.



وضعیت مبهم فروش شرکت برادران وارنر

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در صورت نهایی‌شدن فروش احتمالی شرکت «وارنر برادرز دیسکوری» دیوید زاسلاو، مدیرعامل این کمپانی ممکن است حدود ۵۰۰ میلیون دلار سود کسب کند. زاسلاو هم‌اکنون مالک ۲۱ میلیون سهم از این شرکت است که در صورت معامله با شرکت‌هایی مانند «پارامونت» با پیشنهادهایی تا ۶۰۰ میلیارد دلار، تمام آن‌ها قابل واگذاری خواهند بود. باین‌حال وارنر برادرز تاکنون سه پیشنهاد پارامونت را رد کرده است. شرکت برادران وارنر در پی ضرر و زیان‌های مالی هنگفت به‌خصوص در دوران کرونا با بدهی‌های سنگین روبه‌روست. نتفلیکس و پارامونت، دو مشتری احتمالی این شرکت ۱۰۳ ساله فیلمسازی هستند. باین‌حال هنوز به‌طور دقیق مشخص نیست کدام‌یک از مشتریان احتمالی موفق به خرید همه‌پای‌بخشی از سهام برادران وارنر می‌شود. انجمن نویسندگان آمریکا این ادغام احتمالی را «فاجعه‌بار» توصیف کرده و اعلام کرده است که با نهادهای نظارتی همکاری خواهد کرد تا از آسیب به رقابت، کارکنان و آزادی‌بیان جلوگیری شود.



حضور ۲ فیلم ایرانی در جشنواره صهیونیست‌ها

دو فیلم ایرانی «زن و بچه» که کارگردانی سعید روستایی و «مرده‌شور» ساخته عبدالرضا کاهانی، به‌طور غیرمنتظره در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم حيفا در اسرائیل حضور یافتند. این حضور، درحالی‌که جهان به بایکوت اسرائیل روی آورده، واکنش‌های گسترده‌ای در پی داشته است. سیدجمال ساداتیان، تهیه‌کننده «زن و بچه» هم ضمن ابراز تعجب از این موضوع اعلام کرد که قرارداد پخش بین‌الملل فیلم به‌صراحت بر منع حضور در جشنواره‌های اسرائیلی تأکید کرده و این اقدام برخلاف توافق صورت گرفته است. ساداتیان اعلام کرد که اقدام حقوقی علیه دفتر پخش انجام خواهد شد و هشدار داد که خاذهای حقوقی و کمبود اطلاعات سینماگران درباره قراردادهای بین‌المللی می‌تواند موجب تکرار چنین اتفاقاتی شود.

روایت کارتونیست



گفت‌وگوی هادی حیدری با احمد عربانی درباره روند تحولات کارتون‌های مطبوعاتی در ایران پیش و پس از سال ۱۳۵۷

بهار و خزان کاریکاتور در مطبوعات

به کار شدم. یکی از خاطرات جالبم در زمان فعالیت در «حاجی بابا» به انتشار قانون مطبوعات برمی‌گردد. تقریباً پس از پنج‌ماه انتشار «حاجی بابا» و هم‌زمان با فعالیت دولت بازرگان، آقای خطیبی وارد دفتر روزنامه شد و از انتشار قانون مطبوعات خبر داد. من طرحی با این مضمون کشیدم که مطبوعات روی تابوت است و باقی افراد آن را حمل می‌کنند. ابوالحسن بنی‌صدر، ابراهیم یزدی و صادق قطب‌زاده نیز طرحی کشیدند که بعدها به «مثلت بیق» نام گرفت. پیام آن نابودی مطبوعات توسط قانون مطبوعات بود. از این‌زمان به‌بعد، مجلاتی از جمله پیغام امروز و آیندگان از میان رفتند. در آن شرایط، خطیبی با من تماس گرفت و خواست که چمدانم را جمع کنم و هفته دیگر با هم به آمریکا برویم تا مجله را آنجا منتشر کنیم. آن موقع انقلاب کرده بودیم و هیچ‌وقت به ذهنم نرسیده بود که از ایران بروم.

❖ **مرور کارهای شما نشان می‌دهد که کاریکاتور بست انقلابی نبوده‌اید و بیشتر ملی بودید. مجلاتی بودند که از شما کار بخواهند و شما به‌خاطر خط فکری آن‌ها قید آن را بزنید؟**

نه نبود. در آن سال‌ها شرایط به‌صورتی بود که می‌توانستم در هر مجله‌ای فعالیت کنم. بگپروبیندی هم نبود.

❖ **شما که ملی فکر می‌کردید، چرا به مجله «آهنگر» کار دادید؟**

یک کار از من در «آهنگر» منتشر شده بود. آن هم فکر می‌کنم که به‌صورت مستقیم از طرف من به مجله ارسال نشده است. شاید از کسی گرفته باشند. البته، این ماجرا برای ۵۰ سال پیش است و دقیق یادم نیست که اثرم را به دفتر «آهنگر» برده باشم یا نه.

❖ **در مجله «آهنگر» چهره‌های افرادی همچون بازرگان و قطب‌زاده کشیده شده بود؛ شما در نشریه «حاجی بابا» چهره مسئولان بعد از انقلاب را طراحی می‌کردید؟**

نه. «حاجی بابا» مثل گل‌آقا نبود که چهره شخصیت‌های سیاسی و مسئولان را طراحی کنیم. مسئول تیم در «حاجی بابا» آقای خطیبی بود که چنین نگاهی نداشت. هنوز در فضای سال ۳۲ به سر می‌برد!

❖ **پیش از انقلاب در مجله توفیق کار می‌کردید که در آن، کاریکاتور مسئولان غیر از دربار هم منتشر می‌شد. بعد از انقلاب اولین نشریه‌ای که در آن کاریکاتور مسئولان را کشیدید، چه نشریه‌ای بود؟**

فکر می‌کنم مجله «فکاهبون» بود. البته به‌شدت کارهای مجله «آهنگر» انتقادی نبود. کارتون شخصیت‌های خارجی مثل کارتر هم کشیده می‌شد، اما شخصیت‌های داخلی به‌دلیل خودسانسوری طراحی نمی‌شد.

❖ **ماجرای آزادی مطبوعات بعد از انقلاب تا چه زمانی ادامه داشت و این محدودیت از کجا پیش آمد؟**

از همان سال ۱۳۵۸. تنها سالی که دقیق یادم می‌آید و در آن زمان فعالیت مطبوعاتی داشتیم؛ سال ۱۳۵۸ بود که به‌معنای مطلق کلمه آزادی را از هر نظر حس می‌کردیم.

همکاری داشته است. عربانی به تفاوت فضای طنز در دوران پهلوی و بعد از انقلاب نیز اشاره می‌کند. به گفته او، در مجله «توفیق» امکان نقد صریح‌تر وجود داشت، اما در «گل‌آقا» نوعی احتیاط و خودسانسوری به‌ویژه در قبال چهره‌های روحانی حاکم بود. این کارتونیست باسابقه در صحبت‌های خود مطرح می‌کند که با آغاز دهه ۶۰ به‌ویژه بعد از شروع جنگ، فشارها بر مطبوعات بیشتر شد و بسیاری از نشریات طنز تعطیل یا محدود شدند. عربانی همچنین تجربه‌های جذاب خود در مجلاتی مانند «توفیق»، «گل‌آقا» و سایر مجلات را بیان کرد. یکی از خاطرات او به دوران فعالیت‌اش در روزنامه «حاجی بابا» هم‌زمان با انتشار قانون مطبوعات برمی‌گردد. به گفته عربانی، در آن زمان تحت تأثیر انتشار آن قانون و نگرانی‌ها از نابودی مطبوعات، آقای خطیبی به او پیشنهاد داد که برای انتشار مجله به آمریکا بروند، اما عربانی به گفته خودش، هیچ‌وقت به فکر ترک ایران نیفتاده و آن درخواست را رد کرده است. در ادامه، متن کامل گفت‌وگوی هادی حیدری با احمد عربانی را می‌خوانید.

بودند. حتی افرادی هم بودند که به گروه و ارزش‌های خاصی گرایش نداشتند.

برخی افراد هم به کاخ‌ها، کلانتری‌ها و پادگان‌ها می‌رفتند و هر وسیله مناسب با سلیقه و گرایش فکری خود را از آن مکان‌ها خارج می‌کردند. اکثر آن‌ها اسلحه‌ها را جمع‌آوری می‌کردند. ما تصور می‌کردیم که آن‌ها پاسدار هستند، اما به گروه‌های دیگری تعلق داشتند. گروه‌های دختر و پسر دیگری هم با سرووضع تشکیل‌تر، موه‌های جمع و بدون آرایش هم بودند. این افراد به پادگان‌ها حمله می‌کردند، اما به جعبه‌های فشنگ دست نمی‌زدند. کاغذها و نقشه‌های روی دیوار و مرتبط با ارتش را جمع می‌کردند. با دقت پونزها را درمی‌آوردند، تا می‌کردند و در ساک حمل می‌کردند. به‌نظر می‌آمد آن‌ها چریک‌های فدایی خلق هستند. در این شرایط و به‌مرور، نشریاتی از جمله مجله «آهنگر» منتشر شدند که ساختار منسجمی از جمله دفتر و تیم داشتند. اولین شماره از این مجله هم به یاد چلنگر (به مدیریت غلامعلی افراشته که از حزب توده بود)، نوشته شد. البته به‌دلیل مخالفت و عدم رضایت صاحب امتیازهای مجله، نام آن به «آهنگر» تغییر پیدا کرد. در سال ۱۳۵۸ مجله «آهنگر» یکی از قوی‌ترین مجلات آن‌دوران از نظر محتوا، نثر و کارتون بود. بهترین کاریکاتوریست‌های آن‌زمان از جمله بهمن رضایی، غلامعلی لطیفی و احمد سخاووز با امضا‌های مستعار و مخفف در آن فعالیت می‌کردند. من هم شاید یک کار به مجله «آهنگر» داده باشم؛ دقیق یادم نیست.

هم‌زمان با «آهنگر»، مجلات غیرچپ هم منتشر شد. هفته‌نامه «حاجی بابا» می‌خواست دنباله‌روی مجله «چلنگر» باشد، اما نشریه ملی بود. پرویز خطیبی سرپرست این نشریه بود و این انسان آنقدر با دانش و حرفه‌ای بود که حتی راه‌رفتن‌اش هم سبزه خبری بود. من حرف‌های بود که حتی راه‌رفتن‌اش هم سبزه خبری بود. من حرف‌های روزمره او را می‌نوشتم تا بعداً از آن‌ها کارتون بکشم. به‌مرور به‌عنوان کاریکاتوریست در نشریه او مشغول

یکی از خاطرات
جالبم در زمان
فعالیت در «حاجی
بابا» به انتشار قانون
مطبوعات برمی‌گردم.
تقریباً پس از پنج‌ماه
انتشار «حاجی بابا»
و هم‌زمان با فعالیت
دولت بازرگان، آقای
خطیبی وارد دفتر
روزنامه شد و از انتشار
قانون مطبوعات خبر
داد. من طرحی با این
مضمون کشیدم که
مطبوعات روی تابوت
است و باقی افراد آن
را حمل می‌کنند



مهسا طاعنی
خبرنگار گروه فرهنگ

احمد عربانی؛ کاریکاتوریست، پویانما، نویسنده و کارگردان پیش از نیم‌قرن است که در نشریات مختلف کشورمان -چه در دوران قبل از انقلاب و چه در سال‌های بعد از انقلاب- فعالیت کرده و تجربیات و خاطرات متعدد و جالبی درباره فراز و فرود انتشار کارتون در مطبوعات ایران دارد و می‌تواند تصویری دقیق از فضای مطبوعاتی آن سال‌ها ارائه دهد. او در گفت‌وگو با هم‌میهن، سال ۱۳۵۸ را دوره‌ای کم‌نظیر در آزادی مطبوعات می‌داند که در آن زمان، نشریات مختلف با گرایش‌های گوناگون منتشر و کاریکاتورها بدون سانسور چاپ می‌شدند. او همچنین خود را کاریکاتوریستی با گرایش ملی می‌داند و با مجلاتی چون «توفیق»، «کاریکاتور»، «آهنگر»، «حاجی بابا» و «گل‌آقا»

❖ **روزهای بعد از انقلاب ۵۷ شاهد فعالیت تعداد زیادی از مجلات و نشریه‌هایی بودیم که در آن‌ها کاریکاتورهای تند و انتقادی منتشر می‌شد. باتوجه به اینکه شما هم در آن دوران فعالیت‌های مطبوعاتی داشتید، تجربه و خاطرات خود از آن سال‌ها را بیان کنید.**

در بحبوحه روزهای نزدیک به انقلاب، هر فرد در دانشگاه به تناسب افکار حزبی و مطالعاتی خود امکان شرکت در نشست‌های مختلف، سخنرانی و بیان اعتقادات در آن‌ها را داشت. این وضعیت به‌نوعی سرگرمی ما در آن روزها بود. علاوه بر حضور آزادانه در گردهمایی‌های مختلف، سبزه‌ها و وقایع روز را بر دیوارهای دانشگاه می‌چسباندیم. من هم در قالب کاریکاتور یک تمساح کشیده بودم و چوبی بین آرواره بالا و پایین آن گذاشته بودم. روی چوب هم «اتحاد ملی» نوشته بودم. در آن زمان همانطور که در حال حاضر ایران برای برخی‌ها مهم شده، ملیت سر زبان‌ها افتاده بود. آن کاریکاتور بعد از انقلاب در روزنامه کیهان هم چاپ شد.

❖ **هفته‌نامه «چلنگر» یکی از هفته‌نامه‌های شاخص در آن‌دوران بود که عمر فعالیت آن کوتاه، اما بسیار موثر بود. در این مجله خیلی از کاریکاتوریست‌ها با تفکر چپ قلم می‌زدند. آیا متناظر با آن مجله، نشریات دیگری هم بود که شما بتوانید در آن قلم بزنید؟**

در آن‌دوران، وقایع و رویدادها یکی پس از دیگری رخ می‌دادند. بعد از بیست‌ودوم بهمن‌ماه، نشریات دو ورقی منتشر شد. به‌عنوان مثال، غلامحسین ذاکری که بعدها مجله آدینه را منتشر کرد، با سیروس علی‌نژاد، دو ورقی جدول منتشر می‌کردند. از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ اتفاق‌های بدون برنامه و غیرقانونی رخ می‌داد که این روند در سال ۱۳۵۸ هم‌زمان با همه‌پرسی منظره‌تر شد. یک‌سری نشریات با گرایش چپ و تعدادی دیگر ملی‌گرا